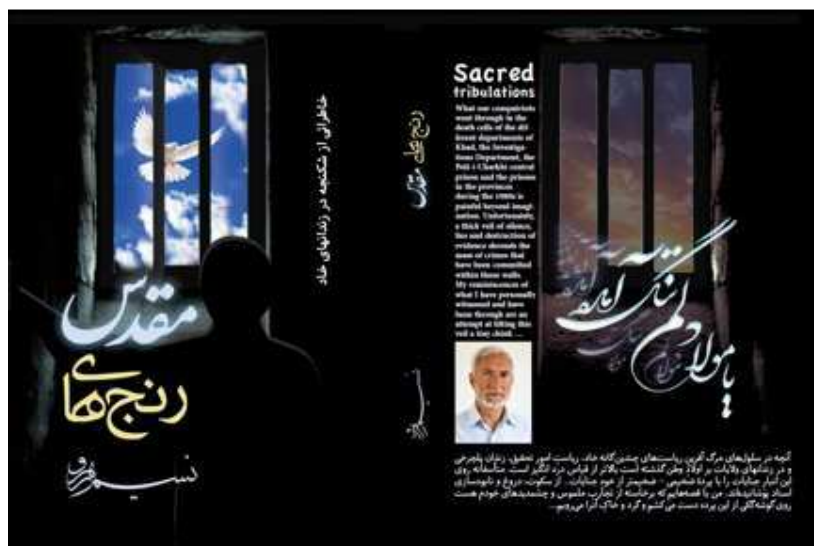


چند گپِ دلم در باره کتاب رنجهای مقدس



رنجهای مقدس. خاطرات سالهای زندان محترم نسیم رهرو

ناشر: انتشارات شاهنامه. هالند

سال نشر 1394 خورشیدی

330 صفحه

یادآوری:

کتاب رنجهای مقدس را خواندم. موضوعاتی بیشتر و موثق را در باره شکنجه گر و شکنجه دیده در وطن ما متوجه شدم. احساسی که به من دست داد، آن را روی کاغذ آوردم. احساس نخست خود را در آغاز ابراز می‌کنم: احترام به شما شخصیت عزیز و محترم نسیم رهرو و احترام و سپاس به همسر شما. شاد باد روح مادر مرحوم شما، که صحنه دستگیری شما را هم دیده بود.

الف: احساس

خواندن سطر، سطر رنجهای مقدس، کشمکش درونی لحظه های خواندن و مشغولیت فکری بعد از آن بود، که اثری عمیق در من خواننده گذاشت. به جرئت می توانم بنویسم که با دلهره یی به سوی بازکردن صفحه وقایع در زندان رفتم و با پایان یافتن مطالعه و بستن آن؛ برای بیرون رفتن از زندانی که دست مرا رنجهای مقدس گرفته بود تا با آن آشنایی بیابم و رهنمون ام شده بود؛ با درد و احساس عجیبی تلاش کردم، از چارطرف وقایع و هوا و فضای بار آورنده آن سر دربیآورم .

وقتی ورق هایی از کارنامه سیاه و غیرانسانی شکنجه گران را می خواندم، هرباری به افراد مستنطق از ته قلب، آرزوی ذلت می کردم و درد وجدان آنها را خواستار شدم. مگر وقتی که تمام کتاب را مطالعه کردم، و فرهنگ نویسنده کتاب را در مجموع یافتم و احساس او را خوب شناختم، احساسم این است که ذلت و خواری را برای شکنجه گر نخواهم. در عوض آن وجدانی پیداکنند که افکار و اعمال حزب خود را نکوهش کنند. بنویسند و بگویند که کارهای بد و غیر انسانی انجام دادیم.

این احساس را هم داشتم و همین حالا هم دارم، که این نوع کتاب ها به قدر کافی، در دست هموطنان ما نیست. در داستانها، در فلم ها، و در بقیه چهره های هنری راه نیافته است. به نظر من، ادبیات داستانی افغانستان، رمان ها و داستنها های سیاسی، با روزگار زندان و زندانی سیاسی، پیوند زیادی نداشته و جایگاهی برایش باز نکرده است. اگر یک دلیلش این باشد که حکومت های مستبد به نوعی فجیعی با زندانی سیاسی برخورد کردند، و از انتشار آنها هراس بودند، این را هم با این احساسی که از کمبود آثار برایم بوجود آمد باید بگویم که نویسندگان ما هم از دسترسی و انتشار رویداد ها غفلت کرده اند. اگر روزگار زندانی در ادبیات ما جای باز میکرد، تعداد مخالفین شکنجه شاید زیاد می بود. مگر حکومت ها با استفاده از آن مردم را ترسانیدند ولی از انتشار وقایع که فجایع هم بود، جلوگیری کردند. فقط گوشه کاملاً محدود (زبانی یا شفاهی) حال زندان دیده به طرف مردم رسید آن هم به شکل تفسیر و توضیح ناشد که حتی برای تنبیه دیگران و دوری از مبارزه و زندانی شد نیز می توانست به کار برود.

کتاب رنج های مقدس را که خواندم، کتاب خاطراتم از محترم آقای خالد صدیق چرخي را هم به یادم آورد. و در نتیجه یک مقایسه کردم از زمان استبداد سلطنتی معروف به هاشم خانی را تا وقت کار های خاد کارمل- نجیب الله و روسها. هرکدام به رقم خودشان و با استفاده از وسایل وقت مخالفین را شکنجه کرده و یا اعدام کرده اند.



ب: سندیت رنج های مقدس

در کتاب رنج های مقدس محترم نسیم رهرو، نکته مهم دیگری که در هر ورق آن توجه را جلب می کند، مستند گفتن موضوعات است. نام اشخاصی که زندانی شده اند، همراه با معلومات بیشتر از نظر می گذرد. شکنجه گران را با تکیه به حافظه خویش معرفی می نماید. از اشخاص و افراد مظلومی که بر آنها ستم زندان نیز میرود، طوری معلومات می دهد که قناعت خواننده حاصل می شود. به این ترتیب از این نقطه نظر هم کتاب محترم رهرو در قطار کتاب های با ارزش و مستند میباشد.

کتاب خاطراتم تألیف محترم خالد صدیق چرخي که از زمان هاشم خان وشاه محمود خان صدراعظم های خانواده شاهی، صحنه ها را از پیش چشم گذر می دهد، طوری مستند می باشد که خواننده را در همان موقعیت ها میگذارد. کتاب محترم رهرو برای آشنایی با مظالم خادیسست ها با آوردن نام شاهد ها و گفتن وقت رویداد های داخل زندان گپی برای قبول نکردن نمی گذارد.

ج : موضوع ترس

از ایام طفولیت خودم، خوب به یاد دارم که بعضی ها برای جوانان دلیر خانواده خوی مثال میگفتند که:

دلت میخواد که در زندان دهمزنگ از تو "کره ی" به دنیا بیاید . از آن زمان مفهوم کره برایم زشت و به یاد آورنده درد و الیتام زندانی طوری بود که آنجا چه جایی باشد بعدها دانستم که حکومت های استبدادی در زندان خود انسان های آزاد و مخالف را آزار میدادند و درعین حال از طریق تبلیغات مردم را به اشکال مختلف می ترسانیدند. تا مطیع و فرمانبردار باشند.

امروز با تاسف باید نوشت که این موضوع زندان و زندانی سیاسی در ادبیات به شکل وسیعی که باید انتشار می یافت و مردم ما از آن با خبر می بودند، چاپ و نشر نشد.

خیلی موضوعات همان طور مبهم و دوپهلوی و گنگ باقی ماند . فکر می کنم که ایجاد ترس کار خود را کرده است.

به باور من (ترس) عامل اساسی را به عهده دارد . بلی ترس : ترس در دل خانواده ها انداختن .خوف از اعدام ، شکنجه . ایجاد ترس تا خانواده ها هم مانع مبارهٔ فرزندان خویش شوند.

همان ترس و علاوه بر آن فضای ظالمانهٔ زندان ها سببشده که بعضی ها بعد از آزادی از زندان خاموش بمانند. البته کسانی هم بودند که تمام مشکلات زندان را قبول کردند ولی تسلیم استبداد نشدند. ننوشتن و بیرون ندادن خاطره ، یادواره از شکنجه به مرور فقط نقش ذهنی به صورت رنگ پریده باقی ماند .

کتاب رنجهای مقدس را که انسان می خواند، با وضاحت می بیند که با آن ترس آفرینی و جبون شدن ها مبارزه کرده فرهنگ مقاومت در برابر استبداد را در اختیار نسل جوان کشور می گذارد.

گرچه چند تن دیگر از هموطنان درد دیده ورنج زندان کشیده نیز کتاب هایی را خوشبختانه نشر کرده اند ولی کتاب رنج های مقدس، با انعکاس عالی خود یک تعداد عزیزان زندانی دیده را که تا حال چیزی ننوشته اند، تکان میدهد که لطف کنند و بنویسند. سکوت زندانی از دردهایی که در دوران حکومت دشت نشاندهٔ خلق و پرچم دذیده است، به هیچ دلیل توجیه نمی شود. سبب ساز فراموشی و گریز از واقعیت همان زمان و زندان می شود.

و مرا به یاد جمله ی از امامای عزیزم آقای حاجی غلام عباس « نجید » انداخت ، " کافیسست که من در تاریکی شب با خواب و در روشنایی روز از بیداری با هراس ، مجادله کنم . به یادم نیاورید که چه شکنجه های بر من گذشت " ظلم و بیدادگری آن دوران در اذهان مردم جا نیفتاد .

هنوز ببرک و نجیب وحتا حفیظ الله امین را را افرادی که خود غیر ملی بودند وشکنجه گر، " ملی و وطن دوست" می گویند. یک دلیل آن هم این است که اسناد ومدارک لازم نشر نشد. و دلیل دیگرش

وضع بدتری که مردم وبه اشکال دیگر دیدند، جنایتکاران خلقی پرچمی خوش رقصی را شروع کردند. مگر ده خر تان را بگیرید و یک گاو را پس بدهید، چه معنا دارد که بر دیوار های کابل نوشتند.

بلی، من هرفردی از زندانی و زندان بان را با ظلم اش در ورق های کتاب محترم رهرو دیدم و با درد های شان آشنا شدم.

برای برادر گرامی ومحترم خویش نسیم رهرو صحتمندی میخوامم تا بتواند بقیه عمر را با سعادت درکنار خانواده به سر ببرد و دست درقلم داشته باشد. از هموطنان خویش به حیث یک زن دوستدار انسانیت و مخالف ظلم وستم خواهش میکنم این کتاب را بخوانند وبه دوستان خود توصیه کنند که آنرا بخوانند. زیرا این کتاب رفتار غیر انسانی را درمقابل انسان های نشان ما میدهد که طرفدار حیات شرافتمندانه در وطن ویا مخالف حکومت دست نشانده بودند.

###